

دندانپزشک

پرونده‌های

کارآگاه سینتی

و دستیارش چینمیادو / ۹

یک داستان خیلی مغناطیسی



پرونده‌های

کارآگا سیتی

۹ / دستیارش چینمیادو / ۹



یک داستان خیلی مغناطیسی

نویسنده: آنتونیو ایتوربه

تصویرگر: آلكس او میست

مترجم: رضا اسکندری

LOS CASOS DEL INSPECTOR CITO y su ayudante Chin Mi Edo: Un misterio muy magnético

© Antonio G. Iturbe (text)
© Àlex Omist (illustrations)

Originally published in Spain

Originally published in Spain by edebe, 2013
www.edebe.com

Persian edition arranged by Kia literary agency

نشر هویا با همکاری آذانس ادبی کیا در چهارچوب قانون بین‌المللی حق انتشاری نشر اثر (Copyright) امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا با بستن قرارداد از ناشر آن (edebé) خریداری کرده است.

انتشار و ترجمه‌ی این اثر به زبان فارسی از سوی ناشران و مترجمان دیگر مخالف عرف بین‌المللی و اخلاق حفه‌ای نشاست.

پژوهنده‌های کارآکاه سینتو و دستیارش چین‌می‌ادو / ۹

یک داستان خیلی مختلطیسی

نویسنده: آتنونیو ایتوربه
تصویرگر: آلکس اویسیت
مترجم: رضا اسکندری

ویراستار: سیدنوبد سیدعلایی اکبر
مدیره‌نگاری: فرشاد رستمی
طراح گرافیک: مریم عبدی
اظاهر چاپ: مرتضی فخری
چاپ بیست و ششم: ۱۳۹۶
تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه
قیمت: ۹۰۰ تومان
شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۲۵-۷۰-۳
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۲۵-۸۹-۴

199
Hour

آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، بلاک ۳/۱، واحد دوم غربی، صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۸۶۵

تلفن: ۰۸۹۹۸۴۳ - info@hoopa.ir - www.hoopa.ir

سے۔ www.15spanish.com www.15spanish.com

- همه‌ی حقوق چاپ و سر احصا را برای سرس هوپا محفوظ است.
 - استفاده‌ی بخش‌هایی از متن کتاب، فقط برای نقد و معرفی آن مجاز است.



برای نسخه و داریو

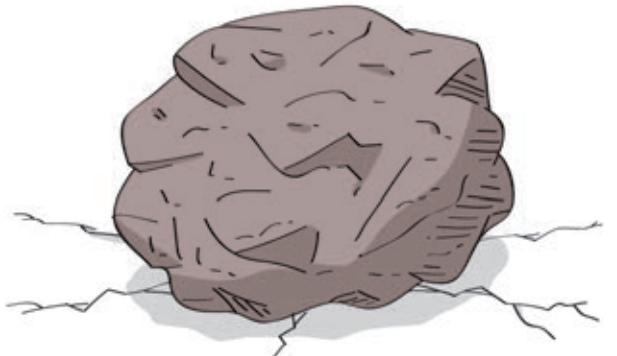




سروان چین می‌ادو با یک جورچین چینی ور می‌رود.
- کارآگاه! می‌خواهی توی چفت کردن تکه‌های این جورچین
کمک کنی؟
- نه، ممنون. الان فقط می‌خواهم دندان‌هایم را روی یک
املت سیب‌زمینی چفت کنم.

در بخش پرونده‌های عجیب، مرموز و خیلی سخت، آرامش حکم فرماست. کارآگاه سیتو دانشنامه‌ی کارآگاه‌های بزرگ را می‌خواند که در آن عجیب‌ترین پرونده‌های مشهورترین کارآگاه‌ها را نوشته‌اند. یک روز هم کسی داستان‌های کارآگاه سیتو را در این کتاب می‌نویسد.

امادر کلانتری مرکزی، آرامش هیچ وقت خیلی طول نمی‌کشد.
 فرمانده تروئنوس مثل یک گردباد به اتاق می‌آید و با صدای
 ترسناکش داد می‌زند:
 - زود راه بیفتید!
 - فرمانده! چرا این همه داد و هوار می‌کنید؟ مگر بلندگو قورت
 داده‌اید؟
 - این قدر چرت و پرت نباش! یک مأموریت اسکورت داریم.
 - کی را باید اسکورت کنیم؟ رئیس جمهور؟ یک بازیگر معروف
 تلویزیون؟
 - نه. باید یک تکه سنگ هزار کیلویی را اسکورت کنید.
 - خُب پس چرا یکی از وردست‌های خودتان را نمی‌فرستید؟
 آن‌ها که مغزشان حسابی پاره‌سنگ برداشته!

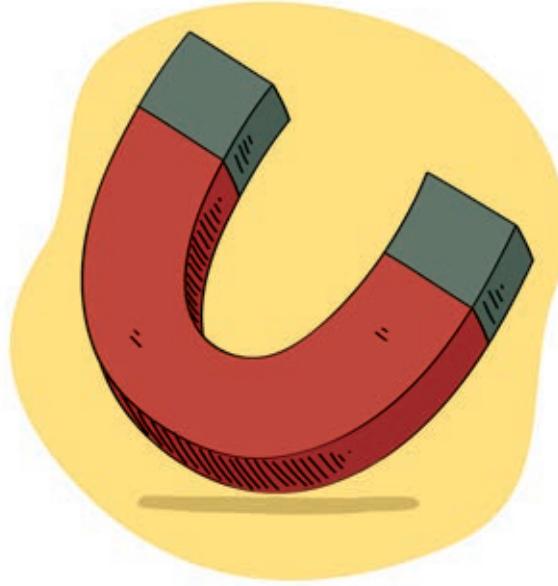
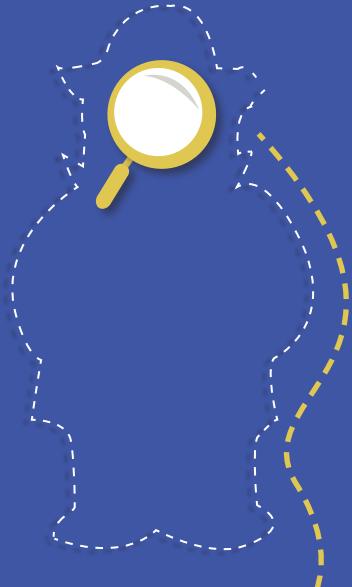




- اول یکی باید برای خودم بگوید!
سروان می‌گوید: «آهن ریاهای چیزهای فلزی را به سمت خودشان جذب می‌کنند. به این جورچین چینی آهن ریاهی من نگاه کنید! قطعه‌هایی که آهن ریا دارند، قطعه‌هایی آهنی دیگر را جذب می‌کنند.»

- این اسباب بازی‌ها را ول کنید و آثیرکشان بروید ژنو!

- چون این سنگ بزرگ‌ترین تخته سنگ مغناطیسی دنیاست. بزرگ‌ترین آهن ریاهی جهان. می‌خواهند آن را بدون هیچ دردسری از ژنو ببرند پاریس. قرار است همه‌ی دانشمندهای دنیا در پاریس جمع شوند و ویژگی‌های این تخته سنگ را بررسی کنند.
- حالا این ویژگی‌ها چی هستند؟



تو هم دوست داری کارگاه بشوی؟
صفحه‌های این کتاب را با دقیق بگرد و ۱۲ تا آهن ریا پیدا کن!

دُوست داری کارآگاه شوی؟

پرونده‌های کارآگاه سیتو و دستیارش چین‌مادو را دنبال کن!



عجیب که آدمیزاد
کتاب هاش رو نمی خورد!



هوپا ناشر کتاب های خوردنی